

مهاجرت علویان به خراسان در دوره عباسی و تأثیر آن بر روند اسلام‌پذیری ایرانیان

زهره دهقان‌پور^۱

چکیده

مهاجران عرب دوره عباسی به ایران را بیشتر علویان، سادات و شیعیان تشکیل می‌دادند. مسئله اصلی پژوهش حاضر شناسایی و معرفی مهاجران علوی خراسان در دوره عباسی تا برآمدن دولت آل بویه و تأثیر حضور آنان بر اسلام‌پذیری ایرانیان است. سؤال این پژوهش آن است که آیا مهاجرت علویان به خراسان در دوره یادشده توانست بر جریان اسلام‌پذیری ایرانیان تأثیرگذار ظاهر شود؟ فرضیه مطرح برای این سؤال بنا به اطلاعات منابع تاریخی و... آن است که مهاجرت علویان که در دوره عباسی ادامه یافت در جنبه‌های مختلف زندگی مناطق مهاجرپذیر تأثیر گذارد. یکی از این تأثیرات که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد تأثیر بر اسلام‌پذیری ایرانیان در مناطق مختلف است. بنا به اطلاعات منابع گوناگون، مهاجران که در پنج دوره مهم تاریخی، در مناطق مختلف ایران و از جمله خراسان استقرار یافتند و از بین پنج گروه مهاجر به ایران، فقط چهار گروه حسینی، اطرفی، حسنی و عباسی به این ناحیه وارد شدند و گزارشی از گروه پنجم یعنی حنفیان (محمدیان= فرزندان محمد حنفیه) در دست نیست. با حضور و استقرار گروه‌های مختلف علوی در شهرها، روستاها و مناطق دورافتاده این سرزمین و در نتیجه فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان و تعامل با بومیان، به تدریج زمینه برای نفوذ اسلام و گسترش آن در بین طبقات خاصه و عامه جامعه ایرانی فراهم آمد. شناسایی و دسته‌بندی گروه‌های مختلف علوی در خراسان در قالب پنج گروه و طرح این بحث که مهاجرت، بستر و زمینه‌ای برای تغییر و تحولات پایدار فرهنگی شد از اهداف پژوهش حاضر است. دوره زمانی موردنظر در این پژوهش، دوره زمانی آغاز دوره عباسی تا به قدرت رسیدن آل بویه در اوایل قرن چهارم هجری است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی تحلیلی و با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و انواع گوناگون منابع است. همچنین در این اثر سعی شده است تا نتایج کیفی حاصل از منابع، به شیوه کمی و بر روی نمودار نمایش داده شود.

واژگان کلیدی: مهاجرت، علویان، خراسان، دوره عباسی، اسلام‌پذیری، ایران.

Alawite Migration to Khorasan during the Abbasid Period and its Impact on the Process of Accepting Islam by the Iranians

Z. Dehghanpour¹

Abstract

The Arab immigrants of the Abbasid period to Iran were mostly Alawites, Sadats and Shiites. The main issue of the present study is to identify and introduce the Alawite immigrants of Khorasan in the Abbasid period until the rise of the Buyids government and the effect of their presence on accepting Islam by the Iranians. The question of this research is, "whether the migration of Alawites to Khorasan in the mentioned period could affect the flow of accepting Islam by the Iranians?" Based on the information available in the historical sources, it is hypothesized that the migration of the Alawites, which continued during the Abbasid period, affected various aspects of life in the areas accepting the migrants. One of these effects studied in the present study is their impact on accepting Islam by the Iranians in different regions. According to various sources, the immigrants were settled in different parts of Iran including Khorasan during the five important historical periods. Out of five groups of immigrants to Iran, only four groups, i.e. Hosseini, Atrafi, Hassani and Abbasi entered this area. The reports on the fifth group, the Hanafis (Mohammadians = children of Muhammad Hanafiyya) is not available. With the presence and establishment of various Alawite groups in cities, villages and remote areas of this land and as a result of their various political, social and cultural activities and interaction with the natives, the ground was gradually prepared for the influence of Islam and its spread among the elite and public classes. Identifying and classifying different Alawite groups in Khorasan in the form of five groups and proposing that migration had become bedrock for sustainable cultural change and transformation are among the objectives of the present study. The time span considered in this research is the period of the beginning of the Abbasid rule until the coming to power of the Buyids in the early fourth century (AH). The research method is descriptive-analytical using the library documents and various sources. In this work, an attempt has been made to display the qualitative results obtained from the sources in a quantitative manner using some graphs.

Keywords: Immigration, Alawites, Khorasan, Abbasid period, Accepting Islam, Iran.

1. Assistant Professor Meybod University, Meybod, Iran

dehghanpour@meybod.ac.ir

مقدمه

درباره علویان و حضور آنان در مناطق مختلف جهان و از جمله ایران، پژوهش‌های گوناگونی وجود دارد که نویسنده از برخی از آنها نیز در این تحقیق بهره جسته است. کتاب *العلویون فی المشرق الاسلامی و اثرهم الفکری و الحضاری حتی القرن الخامس الهجری* تألیف حیدر قاسم التمیمی و از انتشارات دار النهضه العربیه بیروت در سال ۱۴۱۳ ق. / ۲۰۱۰ م. از جمله آثاری است که به این موضوع پرداخته است. کتاب با مقدمه‌ای با عنوان «تحدید المشرق الاسلامی و اقالیمه» آغاز می‌شود. مؤلف در این بخش به معرفی اقالیم آذربایجان، جبال، سجستان، فارس، خوارزم، کرمان، خوزستان، قومس و طبرستان و جرجان، خراسان و ماوراءالنهر و تعیین موقعیت جغرافیایی هر منطقه بر اساس اطلاعات منابع جغرافیایی می‌پردازد.

کتاب شامل چهار فصل است؛ فصل اول با عنوان «انتقال العلویین نحو المشرق الاسلامی - اسبابه و عوامله» به مطالب و مباحث زیر می‌پردازد: عقیده شیعه امامیه درباره مسئله امامت، سخت‌گیری خلفای اموی و عباسی بر علویان و قیام‌های علویان بر ضد امویان و عباسیان و... . فصل دوم با عنوان «الامام علی بن موسی الرضا و اثره الفکری و الحضاری فی المشرق الاسلامی» به بحث از نسب امام رضا و ذکر بعضی فضائل او، نهضت علمی و فکری ایام امام رضا، نقش امام رضا در اصلاح فکری و دینی از طریق رد انحرافات فکری، انتشار دادن افکار درست و ارجاع دادن امت به علمای دینی، مدرسه امام رضا و مناظرات وی و میراث فکری و فرهنگی امام رضا (ع) می‌پردازد. حیدر قاسم در بحث از «مدرسه الامام الرضا احتجاجه - تراثه» به تعدادی از راویان امام رضا اشاره کرده و از حدود ۵۰ نفر از آنان نام برده که برخی از آنان ساکن ایران یا منسوب به برخی شهرهای ایران هستند. وی به برخی آثار و تألیفات منسوب به امام رضا نیز اشاره کرده است. مؤلف همچنین مباحث بسیار کوتاهی (در حد یک صفحه) را به مناظرات و میراث امام رضا (ع) اختصاص داده است. فصل سوم کتاب «الدوله العلویه فی طبرستان اثرها الفکری و الحضاری فی المشرق الاسلامی» نام دارد و در این فصل مؤلف اسباب و انگیزه‌های قیام علویان طبرستان و حیات علمی و ادبی (نثر و شعر) دولت علویان طبرستان را مورد بررسی

قرار داده است. فصل چهارم با عنوان «اثر العلویین فی الحیاه الفکریه فی المشرق الاسلامی»، آخرین و مهم‌ترین فصل کتاب است. در مقایسه با دیگر فصول - که بیشتر، اطلاعات کلی و در موادی تکراری ارائه می‌دهد - می‌توان این فصل را دارای اطلاعات نسبتاً مفید و ارزشمندی دانست. مؤلف در این فصل، از ۸۵ نفر از علویان مهاجر به ایران در طی ۵ قرن اول اسلامی نام می‌برد.

کتاب تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی نوشته رسول جعفریان از بهترین و کامل‌ترین آثار در زمینه تاریخ تشیع در ایران می‌باشد. گذشته از مباحث مقدماتی و تعاریف ارائه شده در این کتاب، بخش‌هایی از این اثر به عناوینی همچون تشیع ایران در قرن سوم اختصاص یافته که مباحثی همچون امام رضا (ع) و ایران در قرن سوم، مهاجرت سادات به ایران و گسترش تشیع، تشیع در شهرهای ایران در قرن سوم را شامل می‌شود. اثر دیگر، کتاب قیام سبزجامگان: مهاجرت و نهضت سادات علوی در ایران از آغاز تا تأسیس حکومت علویان طبرستان تألیف بهاء‌الدین قهرمانی‌نژاد شائق است. مؤلف این اثر، ضمن مطرح کردن مباحث کلی و مقدماتی که در جای خود مفید و ارزشمند است، به کانون‌های اصلی مهاجرت، قیام‌های علویان و آثار و نتایج مهاجرت‌ها پرداخته است. این کتاب، بیشتر جنبه‌ها و پیامدهای سیاسی حضور مهاجران و قیام‌ها را مورد توجه قرار داده و به تأثیرات و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی این مهاجرت‌ها توجهی نکرده است.

از جمله نوآوری‌های مقاله حاضر به نسبت موارد پیش‌گفته آن است که مهاجرت علویان در این اثر به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و عاملی مؤثر بر تغییر و تحولات فرهنگی و به‌طور خاص گسترش اسلام و تشیع در نظر گرفته شده است. همچنین تلاش شده است معرفی و شناسایی مهاجران بر اساس منابع متعدد اسلامی و شیعی اعم از منابع انساب، تواریخ عمومی، محلی و... انجام گیرد؛ یعنی با شیوه‌ای متفاوت با تحقیقات معمول درباره علویان و به‌طور کلی مطالعات تاریخی. با این توضیح که تحقیقات جدید در مواردی به شناسایی و معرفی افرادی می‌پردازد که مقابر و آرامگاه‌هایی در ایران بدان‌ها منسوب است؛ حال آن‌که در این پژوهش، افراد و گروه‌هایی شناسایی شدند که چه‌بسا هیچ مقبره و نام و نشانی از آنان وجود ندارد ولی بنا بر منابع تاریخی، انساب و... جزو مهاجران به ایران در قرون اولیه بوده‌اند. تفاوت دیگر این پژوهش با دیگر تحقیقات در این حوزه، از بابت تبدیل اطلاعات

کمی به کیفی و ارائه آن‌ها به شکل نمودار است. با این توضیح که بعد از غور در منابع و شناسایی افراد و گروه‌های مختلف مهاجر، تلاش شد تا این اطلاعات به تخمین و برآورد تقریبی بر روی نمودار قرار گیرد؛ شیوه‌ای که به‌ندرت درباره تحقیقات تاریخی مخصوصاً پژوهش‌های مربوط به قرن‌های اولیه انجام می‌گیرد و البته این شیوه، موافقان و مخالفانی هم دارد. شناسایی و دسته‌بندی علویان به شکل گروه‌های پنج‌گانه و ارائه آن به شکل نمودار تا آن‌جا که نگارنده اطلاع دارد برای اولین بار انجام شده است و در تحقیق‌های پیشین در این حوزه، سابقه نداشته است و از این‌رو از جمله نوآوری‌های این پژوهش محسوب می‌شود. به‌علاوه، این تحقیق، ورود و حضور مهاجران در دوره عباسی تا برآمدن آل‌بویه را به‌طور مشخص مورد واکاوی و بررسی قرار داده است از این‌رو دوره زمانی آن، از ابتدای دوره عباسیان تا اوایل قرن چهارم هجری است. پژوهش حاضر را باید در واقع برش و بخشی از یک طرح بزرگ‌تر؛ یعنی پیگیری سیر تحول اسلام‌پذیری ایرانیان و به‌طور مشخص گرایش به تشیع در خراسان دوره موردنظر دانست. روش تحقیق، روش کتابخانه‌ای بود و انواع منابع اعم از تاریخی، انساب، رجال، تواریخ عمومی، منابع جغرافیایی و... مورد استفاده قرار گرفت.

۱. مهاجرت علویان به خراسان

از ابتدای فتوحات و با آغاز مهاجرت‌ها، همیشه خراسان بزرگ (خراسان، ماوراءالنهر)^۱ مقصد اول مهاجرت‌ها بود. جغرافی نویسان مسلمان، خراسان را به چهار قسمت (رُبْع) تقسیم کرده و هرکدام را کرسی همان ربع قرار داده‌اند. این ربع‌ها شامل نیشابور، مرو، هرات و بلخ بود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۹). مهاجرت اعراب در دوره عباسی همچنان ادامه داشت و بسیاری از مهاجرت‌ها با حمایت و خواست خلفا انجام می‌شد. می‌توان این مهاجرت‌ها را جزء مهاجرت‌های اجباری و با اهداف مختلف سیاسی، نظامی، دینی و ... دانست. در ابتدای دوره عباسی، با محدود شدن و در ادامه متوقف شدن فتوحات، انگیزه‌های مهاجرت‌ها را می‌توان بیشتر سیاسی - نظامی، اجتماعی، دینی و همچنین انگیزه حفظ امنیت جانی و مالی دانست. همچنین در مورد بسیاری از مهاجران، علاوه بر انگیزه‌های متعدد سیاسی، نظامی و غیره، باید قائل به انگیزه‌های اقتصادی نیز بود (نک: دهقان‌پور، ۱۳۹۷: ۱؛ همو، ۱۳۹۴: ۷۰).

۱. پادشاهی خراسان اندر قدیم جدا بودی و پادشاهی ماوراءالنهر جدا و اکنون هر دو یکی است (نویسنده ناشناس، حدود العالم، ۸۸-۸۹).

در زمان حکومت ابوجعفر منصور، یزید بن حاتم مهلبی به مدت شانزده سال حاکم آذربایجان شد (ازدی، ۱۴۲۷: ۴۳۲/۱). وی نخستین کسی بود که یمنی‌ها را از بصره به آن‌جا انتقال داد (احمد العلی، ۱۳۸۴: ۴۹؛ همچنین برای اطلاع از مهاجرت اعراب و قبایل عرب در دوره عباسی نک: چوکسی، ۱۳۸۱: ۴۷ به بعد؛ احمد العلی، ۱۳۸۴: ۱۳۳ به بعد). در این بین عده زیادی از مهاجران این دوره را نیز علویان تشکیل می‌دادند. پس از به قدرت رسیدن عباسیان و تلاش منصور برای دستگیری محمد نفس زکیه و برادرش ابراهیم، عرصه بر سادات علوی یک بار دیگر تنگ شد. با شکست محمد و ابراهیم، علویان چاره‌ای جز فرار به مناطق مختلف و از جمله ایران نداشتند (طبری، ۱۹۶۷: ۵۵۲/۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ۲/۳: ۲۹۵). قیام‌های علوی و شیعی در دوره عباسی همچنان ادامه یافت. از جمله این قیام‌ها، قیام حسین بن علی بن حسن مثلث^۱، شهید فح، در سال ۱۶۹ هجری بود (طبری، ۱۹۶۷: ۱۹۲/۸). در زمان هارون نیز یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قیام‌های علوی؛ یعنی قیام یحیی بن عبدالله بن حسن بن حسن رخ داد. به نظر می‌رسد قیام وی اولین قیام شیعی در دیلم و سرآغاز مهاجرت سادات به این دیار بوده باشد (برای اطلاع از قیام وی نک: همو، ۱۹۶۷: ۲۴۲/۸).

مهاجرت علویان به خراسان که افراد و گروه‌های مختلف حسنی، حسینی، عباسی، آ طرفی و در این بین گاه امام معصوم همچون امام رضا (ع) و بستگان و نزدیکان ایشان را شامل می‌شد؛ شکل‌گیری کانون‌های شیعی و سرانجام نهادینه شدن فرهنگ اسلامی و شیعی در سطح وسیعی از این سرزمین را موجب شد (برای اطلاع از پراکندگی مهاجران علوی در خراسان نک: نمودار شماره ۱ و برای مقایسه با پراکندگی علویان مهاجر در سراسر ایران نک: نمودار شماره ۲). مهاجرت و حضور امام رضا (ع) و افراد و گروه‌های مختلف شیعی و علوی به همراه یا به دنبال ایشان به خراسان و مرو در ابتدای قرن سوم هجری را می‌توان نقطه عطف این مهاجرت‌ها و مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و گسترده‌ترین آن‌ها دانست. پنج دوره و به عبارتی پنج عامل تعیین‌کننده در مهاجرت علویان تأثیرگذار بودند: ۱. مهاجرت و ولیعهدی امام رضا در ابتدای قرن سوم ۲. دوره متوکل و سخت‌گیری‌های وی بر علویان

۱. فرزند حسن مثنی فرزند امام حسن (ع).

(حک: ۲۳۲ - ۲۴۷ ق) ۳. قیام یحیی بن عمر در کوفه (۲۵۰ ق) ۴. تشکیل دولت علویان در طبرستان در اواسط قرن سوم هجری ۵. حضور اسماعیلیان در ایران (حدود نیمه دوم قرن سوم هجری). با این توضیح شاید بتوان ادعا کرد که بیش از ۷۰ درصد مهاجران علوی، در پنج دوره یادشده و دوره زمانی پژوهش حاضر (یعنی از ۱۳۲ هجری تا اوایل قرن ۴ هجری) به ایران و خراسان وارد شدند.

با آغاز دعوت عباسیان در خراسان در اواخر قرن اول هجری و دعوت ایشان با شعار الرضا من آل محمد، بیشتر علاقه‌مندان به تشیع در خراسان میان علویان و عباسیان تفاوت قائل نبودند. سخن امام صادق (ع) به فرستاده ابوسلمه خلیل که ابوسلمه شیعه نیست و خراسانیان پیروان ما نیستند (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۲۵۴) مؤید این مطلب است که در این زمان، غلبه با شیعیان غیر اعتقادی بود و هنوز تشیع به مفهوم دقیق، برای مردم این سامان شناخته نشده بود. این امر نشان‌دهنده اهمیت تأثیر حضور مهاجران به‌ویژه مهاجران علوی بر رشد تشیع در منطقه یادشده است. به تدریج، تشیع اعتقادی در خراسان به دلایل مختلف و از جمله مهاجرت علویان روندی رو به رشد گرفت. در اوایل دوره عباسی روابط بین خراسانیان و علویان شدت بیشتری یافت چنانچه منصور عباسی می‌گفت: «این عموزادگان ما... در فلان دهکده خراسان شیعیانی دارند که با آنان مکاتبه می‌کنند و زکات اموال خویش را با تحفه‌های دیارشان برایشان می‌فرستند» (طبری، ۱۹۶۷: ۵۱۹/۷). این روابط کماکان ادامه یافت و ایرانیان و مخصوصاً ساکنان خراسان و جبال به مناسبت‌های مختلف و به‌ویژه در جریان قیام‌های علوی در ایران یا عراق، با علویان ارتباط می‌یافتند (نک: ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۵۰۶ به بعد؛ طبری، ۱۹۶۷: حوادث ۲۵۰ هجری). علت توجه بسیار مهاجران به این ناحیه را می‌توان به دلایل زیر دانست: ثغر و مرز بودن خراسان، آشنایی با خراسان به علت مهاجرت گسترده اعراب و از جمله علویان و شیعیان در دوره خلفای راشدین و همچنین مهاجرت بزرگ علویان هم‌زمان با ولیعهدی و شهادت امام رضا (ع). پطروشفسکی به‌درستی، یکی از عوامل اسلام آوردن خراسانیان در نیمه اول قرن سوم هجری را مهاجرت‌های اعراب می‌داند، حال آن‌که در نواحی نفوذناپذیر کرانه دریای خزر تا نیمه دوم قرن سوم هجری زرتشتی‌گری همچنان تفوق داشت (بی‌تا: ۴۶). اشپولر نیز بعد از ناحیه قم، خراسان را دومین منطقه مستقل از نظر رشد تشیع می‌داند (۱۳۶۹: ۷۶/۱).

۱-۱. علویان حسینی

۱-۱-۱. مرو

حسینیان یکی از پنج گروه علوی و از نسل امام حسین (ع)، یکی از فرزندان ذکور امام علی (ع) هستند. از جمله مهم‌ترین مهاجرت‌ها در دوره زمانی این پژوهش، هجرت امام رضا (ع) در ابتدای قرن سوم هجری به خراسان و ناحیه مرو است. ابوالفرج اصفهانی که کامل‌ترین گزارش قرن‌های اولیه را درباره هجرت و ولیعهدی امام رضا ارائه داده است می‌نویسد مأمون برای ادای نذر خود بعد از پیروزی بر برادرش امین، امام رضا را به همراه گروهی از طالبیان به مرو فراخواند (بی‌تا: ۴۵۴). درباره مهاجرت دیگر علویان هم‌زمان با ولیعهدی امام رضا (ع) باید گفت؛ امام وقتی از مدینه خارج می‌شد اهل‌وعیال خود را جمع و خداحافظی کرد ولی گزارشی از همراهی کسی از خانواده ایشان در دست نیست (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۵). از این رو احتمالاً کسی از خانواده ایشان در این سفر وی را همراهی نکرده هرچند گزارش‌هایی از مهاجرت برخی از طالبیان در دست است. ابوالفرج اصفهانی از هجرت جماعتی از آل ابی‌طالب به همراه امام رضا از مدینه به مرو سخن گفته اما به نام آنان اشاره‌ای نکرده است (بی‌تا: ۴۵۴). گزارش‌های موجود منابع از همراهان امام در سفر از مدینه به مرو، مربوط به غیر علویان و افرادی از یاران و اصحاب ایشان همچون هشام بن ابراهیم راشدی، از خواص اصحاب آن حضرت، است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۱۶۴-۱۶۵). از معدود افرادی که روایت است با امام از مدینه هم‌سفر و همراه شدند محول سجستانی است. وی امام را برای وداع با حضرت رسول (ص) تا مسجد مدینه و سپس در سفر به خراسان همراهی کرد. محول هنگام شهادت امام در طوس بود و از خاک‌سپاری ایشان در کنار هارون اطلاع داده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲/۲۳۴). از دیگر افرادی که در کاروان سفر امام به سوی خراسان حضور داشت عموی ابوالحسن صائغ است که از وی اطلاعی در منابع نمی‌توان یافت. ابوالحسن صائغ از عموی خود روایت می‌کند که من با حضرت رضا تا خراسان همراه بودم و با وی در مورد قتل رجاء بن ابی‌ضحاک که امام را به خراسان آورد، مشورت کردم (همو: ۲/۲۲۲)؛ بنابراین وی باید از نزدیکان امام رضا و از افراد مورداعتماد و اعتنای ایشان بوده باشد. از دیگر همراهان سفر امام، فردی است به نام محمد بن علی که در استیصار نحوه نماز خواندن امام رضا (ع) در طول سفر از او نقل شده است (طوسی،

۱۴۰۴: ۱/۲۶۵). عبدالسلام بن صالح هروی (هراتی) (اباصلت) از اصحاب امام رضا (طوسی، ۱۴۰۴: ۶۰؛ خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵: ۱/۴۸؛ پیرعلیلو، ۱۳۷۸: ۶۱ به بعد)، محدثی توانا بود و برای شنیدن حدیث به بصره، کوفه، حجاز و یمن مسافرت‌ها کرد و در این راه زحمات زیادی متحمل شد (خلیفه بن خیاط، ۱۴۱۵: ۱/۴۸). وی نیز در سفر امام از مدینه، همراه ایشان بود و حدیث سلسله‌الذهب را روایت کرده است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴: ۱۴۳/۲؛ پیرعلیلو، ۱۳۷۸: ۶۴؛ برای اطلاع از مهاجرت‌های علویان که پس از ولیعهدی امام رضا (ع) انجام شده است نک: دهقان‌پور، ۱۳۹۴: ۷۶ به بعد).

۱-۱-۲. **هرات:** مهاجران به هرات از نسل امام موسی کاظم (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۴۹-۳۵۰) شامل: علی بن محمد بن قاسم بن حمزه بن موسی کاظم (ع)؛ احمد بن قاسم بن حمزه بن موسی کاظم (ع) و فرزندان زید بن علی بودند. از جمله مهاجران این گروه می‌توان به افراد زیر نیز اشاره کرد (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۵۰-۳۵۱): فرزندان یحیی بن قاسم^۱ و ابوجعفر محمد اکبر^۲. عبیدلی نسابه نیز به گروه بزرگی از علویان ساکن در هرات از نسل زید و از جمله آنان به احمد بن جعفر^۳ اشاره می‌کند که در قهندش (کهندژ) هرات دفن شد (۱۴۱۳: ۲۲).

۱-۱-۳. **نیشابور:** ابن فندق به حضور ساداتی از نسل امام موسی کاظم در نیشابور و بیهق اشاره می‌کند (۱۴۲۵: ۲۸۴-۲۸۵).^۴ ابن طباطبا در صحبت از علویان مهاجر به نیشابور به فرزندان علی خارص از نسل محمد بن جعفر دیباج اشاره می‌کند حال آن‌که از حضور محمد دیباج به هنگام ولیعهدی امام رضا و حضور و فعالیت وی پس از آن، هیچ‌یادی نمی‌کند. از جمله این مهاجران در دوره زمانی پژوهش حاضر، یکی از فرزندان ابومحمد جعفر بن محمد جور بن حسن بن علی خارص فرزند محمد دیباج است (۱۳۷۷: ۳۳۶). مهاجران به نیشابور از نسل امام سجاد از فرزندان حسین اصغر؛ محمد بن عیسی^۵ بود و بازماندگانش

۱. فرزند علی بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی (ع).

۲. فرزند جعفر بن قاسم بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن علی (ع)

۳. فرزند قاسم بن جعفر بن محمد بن زید بن علی بن حسین بن علی

۴. برای اطلاع از نقش امام رضا در گسترش تشیع در نیشابور نک: دشتی، ۱۳۸۴: ۱۰۱-۱۳۸.

۵. فرزند ابی طالب محمد بن جعفر بن عیسی بن علی بن حسین اصغر بن علی بن حسین بن علی (ع).

عبارت‌اند از مطهر^۱، حسن، جعفر، اسماعیل، علی و حمزه (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۳۷-۳۳۸). از جمله دیگر مهاجران به نیشابور ابوجعفر احمد زبارة است^۲ که از آبه بدان جا منتقل شد و سپس در ایام داعی کبیر به طبرستان رفت و با وی در آن جا اقامت گزید. وی دوباره به نیشابور بازگشت و فرزندانش در آن جا بودند و بازماندگان وی عبارت‌اند از: ابوحسین محمد، ابوحسن محمد شاعر قاضی که بلا عقب بوده است و ابوعلی محمد نقیب که در جمادی‌الاولی سال ۲۶۰ به دنیا آمده و در ربیع‌الآخر سال ۳۶۰ از دنیا رفت. وی راوی حدیث بود. او از جمله کسانی است که ابتدای امر به طبرستان وارد شد و بعد از مهاجرت به آبه وارد نیشابور گردید (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۳۸-۳۳۹؛ درباره مهاجرت نوادگان احمد به بیهق نک: ابن فندق، ۱۴۲۵: ۵۴ به بعد). گزارش دیگری، هجرت احمد زبارة را اول‌بار به طبرستان و هم‌زمان با حکومت داعی کبیر می‌داند. گزارش ابن فندق درباره احمد زبارة وی را از مهاجران مدینه به طبرستان دانسته و نوشته است: هنگامی که برخی از زیدی‌ه طبرستان از راه و رفتار داعی شکایت کردند و به او نوشتند و از او دعوت کردند که به آن جا رود که او به امامت از داعی شایسته‌تر است، احمد به همراه برادرش، علی، راهی طبرستان شد و بعضی از زیدی‌ه با او بیعت کردند. این امر عامل اختلاف وی با داعی شد و احمد بر جان خود ترسید و از آن جا به آبه منتقل شد و برادرش علی در گرگان اقامت گزید و در آن جا فرزندی داشت. بعدها ابوجعفر از آبه به نیشابور رفت و ساکن آن جا شد (۱۴۲۵: ۴۹۲). ابن فندق همچنین علی بن محمد، برادر احمد را از قیام‌کنندگان در گرگان می‌داند (همان‌جا). افرادی از نسل امام موسی کاظم نیز در نیشابور ساکن بودند. عبیدلی نسابه به حضور فرزندان محمد بن احمد بن هارون بن موسی (ع) در این ناحیه (۱۴۲۵: ۱۶۵) اشاره می‌کند. بیهق (سبزوار) نیز از جمله مناطقی بود که بسیار مورد توجه سادات و علویان قرار گرفت. بر اساس اطلاعات منابع مهاجرت علویان به این ناحیه بیشتر از نوع مهاجرت‌های داخلی بوده و از دیگر مناطق ایران به بیهق انجام می‌شده است. یکی از مهم‌ترین دلایل نفوذ تشیع در بیهق نیز مهاجرت‌های بسیار سادات از شهرهای مختلف و از جمله نیشابور و ری بدان ناحیه بود چنانکه علویان این شهر را پرشمار دانسته‌اند (نک: ابن فندق، ۱۴۲۵: ۱۶۵؛ حاکم نیشابوری،

۱. فرزندان همین مطهر از نیشابور به بیهق انتقال یافتند (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۳۷؛ زیرنویس)

۲. فرزند محمد اکبر پسر عبد الله مکفوف بن حسن مکفوف بن حسن افطس پسر علی بن علی بن حسین بن علی (ع).

۱۳۷۵: ۲۲۵، ۲۱۱، ۲۲۳).^۱ منتقله الطالبیین مملو از نام مهاجرانی است که در حال جابجایی و مهاجرت به مناطق مختلف ایران و از جمله به بیهق بودند (برای نمونه نک: ۱۳۷۷: ۳۳۵). مقدسی هنگام توصیف شهر نیشابور و مناطق آن در اواخر قرن چهارم هجری، از حضور گسترده شیعیان (احسن‌التقاسیم، بی‌تا: ۳۶۵) و نیز اختلافات بین شیعیان و کرامیان سخن می‌گوید (همان: ۳۳۶).

۱-۱-۴. بلخ: اسماعیل بن محمد^۲ و بازماندگان وی به نام‌های محمد، علی، هارون و طاهر از جمله مهاجران به بلخ بودند. علی بن حمزه فرزند حمزه بن موسی کاظم نیز دیگر مهاجر به بلخ بود و تنها فرزند وی حمزه نام داشت (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۲) و همچنین ابوالحسن محمد بن عبدالله^۳. جالب‌توجه آن که ابن طباطبا از مهاجرت اسحاق و حمزه، فرزندان امام موسی کاظم، نامی نبرده ولی به مهاجرت فرزندان آنان اشاره کرده است. از نسل امام سجاد از فرزندان حسین اصغر (همو: ۹۲) عبیدالله بن حسن^۴؛ علی بن حسن^۵ و ابوالقاسم^۶ از مهاجران و ساکنان بلخ بودند.

۱-۱-۵. طالقان^۷: در ادامه بحث از علویانی که به خراسان مهاجرت کردند باید از افرادی نام برد که با هدف حفظ جان و مال، برپایی قیام یا تبلیغ فکر و عقیده‌ای به این سرزمین وارد شدند. از جمله این افراد محمد بن قاسم علوی^۸ از نسل عمر اشرف فرزند امام سجاد (ع) است که در سال ۲۱۹ هجری در کوفه زندگی می‌کرد و چون بر جان خویش بیمناک شد، به خراسان هجرت کرد (طبری، ۱۹۶۷: ۷/۹؛ یعقوبی، بی‌تا: ۴۷۱/۲-۴۷۲؛ مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۴۶۳-۴۶۴). وی «در شهرهای مختلف آنجا چون مرو و سرخس و طالقان و نسا بگشت و آنجا جنگ‌ها و حوادث بسیار داشت و خلق بسیار به امامت او

۱. برای اطلاع از مهاجرت‌های علویان در داخل ایران و بین مناطق مختلف نک: ابن طباطبا، ۱۳۷۷: صفحات متعدد.

۲. پسر احمد بن هارون بن موسی کاظم (ع).

۳. پسر محمد بن اسحاق بن موسی کاظم (ع).

۴. فرزند محمد جوانی فرزند حسن بن محمد بن عبیدالله اعرج فرزند حسین اصغر بن علی بن حسین بن علی (ع).

۵. فرزند حسین بن حمزه بن عبیدالله اعرج

۶. علی بن حسن بن حسین بن جعفر حجت بن عبیدالله اعرج (ابن طباطبا، ۱۳۷۷ (مصحح) ۹۳ (زیرنویس): همچنین نک: عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳: ۲۳۰).

۷. از نواحی ربع بلخ.

۸. محمد بن قاسم بن علی اکبر بن عمر اشرف بن علی بن الحسین علیها السلام

گرویدند» (مسعودی، ۱۴۰۹: ۳/۴۶۳-۴۶۴). مسعودی درباره ماندگاری یاد و نام وی پس از حدود صد سال در مناطق مختلف ایران می‌نویسد: «... هم‌اکنون یعنی به سال سیصد و سی‌ودو خلق بسیار از زیدیه به امامت او قائل‌اند و بسیاری از آنان معتقدند که محمد نمرده و زنده است و برون می‌شود و زمین را که پر از ستم شده است از عدالت پر می‌کند و مهدی این امت هم اوست. بیشتر اینان در ناحیه کوفه و جبال طبرستان و دیلم و بسیاری شهرهای خراسان به سر می‌برند...» (همو: ۳/۴۶۳-۴۶۴). ابوالفرج اصفهانی وی را مردی دانشمند و زاهد دانسته که در مذهب خود از توحید و عدل پیروی می‌کرده و با زیدیه جارودیه هم‌کیش بوده است. وی همراهان محمد را عده‌ای قریب به پانزده نفر از اهل کوفه می‌داند (بی‌تا: ۴۶۵ به بعد). ابن طباطبا بازماندگانش را عبارت از احمد، حسن، جعفر و حسین می‌داند (۱۳۷۷: ۲۸۳)

۱-۱-۶. **حلاباذ^۱ و طوس^۲**: مهاجران به حلاباذ از نسل امام سجاد و از فرزندان حسین اصغر: ابوالعباس محمد بن علی^۳ بود. بازمانده وی به نام ابوالحسن محمد است که بعضی گفته‌اند نامش احمد بوده است (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۱۲۸). حمزه بن احمد^۴ از نسل امام صادق و فرزندان علی عریضی از جمله مهاجران به طوس است (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۲۲۰).

بنا به اطلاعات منابع، مهاجران حسینی به ایران، پرشمارترین گروه (برای اطلاع از پراکندگی علویان در ایران و مقایسه آن با خراسان نک: نمودار شماره ۲) هستند. علت تعداد بیشتر علویان حسینی در خراسان را شاید بتوان به علت هجرت و ولیعهدی امام رضا (ع) و در ادامه، وجود آرامگاه ایشان در این ناحیه دانست. در گروه علویان حسینی؛ بیشترین تعداد را فرزندان امام سجاد و امام موسی کاظم تشکیل می‌دهند و بعد از این دو گروه، فرزندان امام صادق (ع) قرار دارند. مهاجرت گسترده این سه گروه از علویان حسینی به ایران و خراسان را می‌توان چنین تشریح کرد: مهاجرت فرزندان امام موسی کاظم (ع) را می‌توان به

۱. از نواحی بلخ.

۲. از نواحی ربیع نیشابور

۳. فرزند حسن بن حسن بن جعفر حجه الله بن عبید الله اعرج بن حسین اصغر بن علی بن حسین بن علی (ع).

۴. فرزند حسین بن احمد شعرانی فرزند علی عریضی پسر جعفر صادق (ع).

علت هجرت و ولیعهدی امام رضا (ع) و خواهران و برادران ایشان در ابتدای قرن سوم و در ادامه آن دانست. هجرت فرزندان امام سجاد (ع) نیز بیشتر به علت گرایش‌های زیدی اغلب آنان است که پس از شرکت در قیامی در خارج از ایران یا به قصد قیام در ایران، در مناطق مختلف استقرار می‌یافتند. علت هجرت گسترده فرزندان امام صادق (ع) به دلیل ولیعهدی و حضور امام رضا در ایران بود. علاوه بر آن می‌توان علت مهاجرت این گروه را به علت حضور محمد بن جعفر دیباج دانست که در بین خاندان خود از احترام بسیاری برخوردار بود. علاوه بر آن گرایش‌های زیدی محمد دیباج و برخی از نزدیکان وی همچون برادرش علی نیز نقش مؤثری در این پدیده مهم اجتماعی داشت.

در بحث از علویان مهاجر به خراسان و به‌طور کلی ایران از قرن سوم هجری به بعد، هجرت امام رضا را باید نقطه عطف مهاجرت‌ها دانست. امام رضا (ع) با در نظر گرفتن شرایط آن روز جامعه اسلامی به پیشنهاد مطرح‌شده از طرف مأمون پاسخ داد و از شرایط سیاسی فراهم‌شده بهره جست. در نتیجه، موقعیت سیاسی فراهم‌شده بستری برای فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی علویان در ایران و خراسان به وجود آورد و نه تنها علویان بلکه تمام مسلمانان را به گرد فرزند پیامبر جمع کرد؛ موقعیتی که می‌توان گفت بعد از امام علی (ع)، برای اولین بار برای فردی از اهل بیت فراهم شد و جامعه اسلامی بعد از رحلت پیامبر (ص) یک‌بار دیگر شاهد اتحاد مسلمانان حول محور امامت بود (نک: دهقان‌پور، ۱۳۹۶: ۳۱۰-۳۳۰). از این رو در بحث از تحلیل و تعلیل پیامدهای مهاجرت‌ها و از جمله بحث اسلام‌پذیری ایرانیان باید به این عامل مهم توجه خاص داشت.

۲-۱. علویان اطرفی (عمری)

۲-۱-۱. هرات: عمر^۱ اطرف^۲ فرزند دیگر امام علی از زنی به نام صبه^۳ بود. بلاذری می‌نویسد: عمر بن خطاب نام خود را بر وی نهاد (۱۴۱۷: ۱۹۲/۲). همسر عمر اطرف اسماء،

۱. عمر بن علی مکنّی به ابوالقاسم یا ابوحفص بوده و رقیه (ام کلثوم) خواهر دو قلووی وی بوده است. عمر آخرین فرزند امام علی بود که وفات کرد و سن وی در هنگام مرگ ۷۲ یا ۷۵ سال بود (نک: ابونصر بخاری، ۱۹۶۲: ۹۷؛ عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳: ۲۹۱).

۲. وی عمر بن علی بن ابی‌طالب است و معروف به عمر اطرف در مقابل عمر اشرف بن علی بن حسین بن علی (ع).

۳. الثعلبیه ام حبیب ابنه ربیعہ بن یحیی بن العبد بن علقمه بن الحارث بن عتبہ بن سعد (حسینی مدنی، ۲۰۱۱: ۱۸). برخی نیز نام مادر وی را صبهاء ذکر کرده اند (نک: ابن حزم، ۱۴۰۳: ۳۷؛ عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳: ۳۳).

دختر عقیل بن ابی‌طالب بود (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲: ۲۰۴؛ بلاذری، ۱۴۱۷: ۷۰/۲) و عبیدلی نسابه تنها فرزند وی را محمد دانسته است (۱۴۱۳: ۲۹۱؛ همچنین نک: ابن حزم، ۱۴۰۳: ۶۶؛ ابن فندق، ۱۴۲۵: ۳۵۹). دینوری در جریان قیام و کشته شدن مختار از عمر بن علی نام برده و وی را از کشتگان این قیام به همراه محمد بن اشعث می‌داند.^۱ از جمله مهاجران اطرفی به خراسان فرزندان جعفر بن جعفر ملتانی؛ فرزند ذالکفل بن جعفر ملتانی و عقیل بن جعفر ملتانی که در سند ساکن بود ولی سپس به بُست و بعد به هرات رفت و در آنجا فرزندی دارد (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۲۹۹؛ همچنین نک: علوی، ۱۴۰۹: ۲۷۲). فرزندان موسی بن محمد بن عباس بن جعفر ملتانی، فرزندان طالب بن عباس بن جعفر ملتانی (علوی، ۱۴۰۹: ۲۶۹)؛ محمد فرزند عبدالله بن حمزه بن جعفر (علوی، ۱۴۰۹: ۲۷۶)؛ فرزندان محمد بن الکفل بن جعفر و فرزندان جعفر بن الکفل (علوی، ۱۴۰۹: ۲۷۹-۲۸۰) و دختران هاشم بن جعفر ملتانی همه در هرات ساکن بودند (همان‌جا).

۲-۱-۲. نیشابور: از جمله اطرفیان مهاجر به نیشابور (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۳۹) برخی از فرزندان هارون بن جعفر ملتانی^۲ بودند.

۳-۱-۲. بلخ: برخی از فرزندان ابوالقاسم صالح^۳ و بعضی از فرزندان عباس بن جعفر مولتانی از جمله مهاجران به بلخ بودند.^۴ عبیدلی نسابه نیز به بازماندگان عباس در هرات و بلخ اشاره کرده است (۱۴۱۳: ۳۹۹). بعضی از فرزندان موسی بن جعفر مولتانی نیز از مهاجران به بلخ بوده‌اند (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۴؛ همچنین نک: عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳: ۲۹۹؛ همچنین نک: عمیدی نجفی، ۲۰۰۱: ۲۲۲). همچنین بعضی از فرزندان عون بن جعفر مولتانی (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۴؛ همچنین نک: عبیدلی نسابه، ۱۴۱۳: ۳۰۰؛ عمیدی نجفی، ۲۰۰۱: ۲۲۲) و برخی از فرزندان صالح بن جعفر مولتانی (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۴) نیز در بلخ ساکن شدند. عبیدلی نیز به حضور فرزندان وی در بلخ و کرمان اشاره می‌کند (۱۴۱۳: ۳۰۱). خراسان، مصحح منتقله الطالبیین، به گروه دیگری از فرزندان جعفر مولتانی که در بلخ

۱. اخبار الطوال، ۳۰۶.

۲. فرزند محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر اطرف

۳. فرزند محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر اطرف.

۴. فرزند محمد بن عبد الله بن محمد بن عمر اطرف.

بودند و ابن طباطبا آنان را از قلم انداخته است اشاره می‌کند و آنان را عبارت از اسماعیل اصغر، عبدالجبار، هارون و عیسی می‌داند. وی پس از تحقیقی، فرزند دیگری به نام علی‌اکبر را نیز بر این اسامی افزوده است (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۴: زیرنویس). علی بن محمد^۱ و حسن بن ابراهیم^۲ نیز از دیگر مهاجران به بلخ بودند.

۲-۱-۴. **أبسنه^۳ و منجوران^۴:** برخی از فرزندان عیسی بن جعفر مولتانی (همو: ۴۴) در ابسنه استقرار یافتند. عبیدلی می‌گوید وی ده فرزند داشته و در یکی از روستاهای بلخ به نام ابسنه ساکن بوده است (۱۴۱۳: ۳۰۱). عمیدی نجفی نیز ضمن ذکر این مطلب، از فرزندش احمد نام برده و می‌گوید بازماندگان وی شش تن در شهرهای مختلف و بیشتر در بخارا و دیگر شهرها حضور داشتند (۲۰۰۱: ۲۲۲). منابع رجالی احمد را از جمله حاملان علم و راویان حدیث می‌دانند. طوسی نیز از وی نام برده و او را ثقه و از اصحاب عیاشی دانسته است (۱۴۰۴: ۴۰۷). حضور چنین افرادی می‌تواند دلیلی بر ادعای تأثیر و نقش فرهنگی مهاجران در مناطق مهاجرپذیر باشد. عمر بن محمد^۵، مادرش امّ ولد بود و فرزندی به نام محمد و احمد داشت که این دو تن نیز بازماندگانی داشتند و در منجوران ساکن شدند (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۳۲۰).

تعداد افراد مهاجر اطرفی در خراسان بسیار زیاد بود و بعد از حسینیان و حسینیان، بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌دادند. عبیدلی نسابه تعداد مهاجران این گروه به مناطق مختلف ایران از جمله خراسان، ماوراءالنهر، جبال، فارس و کرمان و ... را بسیار زیاد و بیشتر آنان را از فرزندان جعفر ملتانی^۶ می‌داند. وی همچنین به تعداد زیاد زاهدان و عالمان و راویان حدیث و ادبا در بین آنان اشاره می‌کند (۱۴۱۳: ۲۹۸). علوی نسب‌شناس نیز ضمن اشاره به تعداد بسیاری از افراد این گروه در مناطق مختلف ایران، بسیاری از آنان را از علما،

۱. فرزند عبید الله بن علی طیب پسر عبید الله بن محمد بن عمر اطرف

۲. فرزند حسن بن علی بن ابراهیم بن عمر بن محمد بن عمر اطرف

۳. از نواحی بلخ.

۴. به فتح اول و سکون دوم و جیم و واو و راء و نون آخر، نام روستایی در دو فرسنگی بلخ است

۵. فرزند عبد الله بن محمد بن عمر اطرف

۶. فرزند محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر اطرف بن علی (ع).

نسایان، زهاد و ... و آنان را علاقه‌مند به حفظ نسبشان می‌داند (۱۴۰۹: ۲۶۵ به بعد). شاید یکی از علل رشد علمی منطقه خراسان تبدیل شدن منطقه نکته جالب‌توجه در گزارش علوی که هیچ‌کدام از نسب‌شناسان به آن اشاره نکرده‌اند، آن است که بسیاری از علویان اطرفی دارای عقاید اسماعیلی هستند (همان‌جا).^۱ ابن طباطبا نیز از مهاجران به هرات از فرزندان عمر اطرف از نسل جعفر ملتانی سخن گفته اما به نام و تعداد آنان اشاره‌ای نکرده است (۱۳۷۷: ۳۵۰) اما می‌توان با توجه به اطلاعات علوی نسب‌شناس و عبیدلی نسابه گزارش ابن طباطبا را تأیید و تکمیل کرد.

مهاجران اطرفی، تعداد بسیاری را تشکیل می‌دادند و می‌توان گفت همه علویان اطرفی مهاجر به ایران، در دوره زمانی پژوهش حاضر به این سرزمین وارد شدند. تعداد افراد مهاجر این گروه در خراسان بسیار زیاد بود و بعد از حسینیان، بزرگ‌ترین گروه را تشکیل می‌داد.^۲ عبیدلی نسابه تعداد مهاجران این گروه به مناطق مختلف ایران از جمله خراسان، ماوراءالنهر، جبال، فارس و کرمان و ... را بسیار زیاد و بیشتر آنان را از فرزندان جعفر ملتانی^۳ می‌داند.^۴ وی همچنین به تعداد زیاد زاهدان و عالمان و راویان حدیث و ادبا در بین آنان اشاره می‌کند.^۵ علوی نسب‌شناس نیز ضمن اشاره به تعداد بسیاری از افراد این گروه، در مناطق مختلف ایران، بسیاری از آنان را از علما، نسایان، زهاد و ... و آنان را علاقه‌مند به حفظ نسبشان می‌داند.^۶ شاید بتوان یکی از علل پیشرفت علمی و فرهنگی خراسان قرن‌های اولیه اولیه را در کنار دیگر عوامل، حضور افراد مهاجر تأثیرگذار علوی از این گروه و گروه‌های دیگر دانست. نکته جالب‌توجه در گزارش علوی که هیچ‌کدام از نسب‌شناسان به آن اشاره نکرده‌اند، آن است که بسیاری از علویان اطرفی دارای عقاید اسماعیلی هستند.^۷ ابن طباطبا نیز از فرزندان عمر اطرف به هرات از نسل جعفر ملتانی سخن گفته اما به نام و تعداد آنان

۱. «... و اکثرهم علی رای اسماعیلیه».

۲. نک: نمودار شماره ۳.

۳. فرزند محمد بن عبدالله بن محمد بن عمر اطرف بن علی (ع).

۴. نک: نمودار شماره ۲.

۵. همان، ۲۹۸.

۶. همان، ۲۶۵ به بعد.

۷. همانجا («... و اکثرهم علی رای اسماعیلیه»).

اشاره‌ای نکرده است^۱ اما می‌توان با توجه به اطلاعات تهذیب الانساب و المجدی، گزارش ابن طباطبا را تأیید و تکمیل کرد.

۳-۱. علویان حسنی

از جمله علویان مهاجر به ایران؛ حسنیان، از نوادگان امام حسن (ع)، بودند (برای اطلاع از تعداد و اسامی فرزندان امام حسن (ع) نک: ابن حزم، ۱۴۰۳: ۳۸-۳۹). عبیدلی نسابه اعقاب امام حسن را از چهار فرزند ذکور ایشان: حسن، زید، عمر و حسین الاثرم می‌داند. عمر و حسین بعدتر نسلشان منقرض شد و نسل امام حسن در دو فرزند دیگر یعنی زید و حسن مثنی تداوم یافت (۱۴۱۳: ۳۳؛ همچنین نک: علوی، ۱۴۰۹: ۲۰). حسنیان مهاجر همه از نسل دو فرزند ذکور ایشان زید، فرزند بزرگ و حسن مثنی دیگر فرزند ایشان هستند. *مقاتل الطالبیین* که یکی از قدیم‌ترین منابع درباره شهدای آل ابی طالب است، از حضور زید و حسن مثنی در واقعه عاشورا سخن گفته و آنان را از اسرای کربلا و از همراهان حضرت زینب و امام سجاد در اسارت می‌داند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ۱۱۹). این در حالی است طبری وی را به هنگام واقعه کربلا طفلی می‌داند (نک: ۱۹۶۷: حوادث ۶۱ هجری؛ همچنین نک: حشمتی، ۱۳۷۵: ۱۳/۳۶۰). در منابع زیدی نیز از حسن مثنی به‌عنوان یکی از ائمه زیدیه یاد می‌شود (حسنی، ۱۴۲۳: ۳۷۹؛ محلی، ۱۴۲۳: ۱/۲۳۵). در ادامه به علویان مهاجر حسنی در این ناحیه پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. نیشابور و جرمغان^۲: بعضی از فرزندان حسن سلیق از جمله مهاجران به نیشابور بودند^۳ همچنین حسین بن ابراهیم^۴ نیز از جمله افرادی است که به هنگام غلبه یعقوب بن لیث صفاری بر نیشابور در این شهر حضور داشت (۲۵۹ هجری). یعقوب او را به زندان انداخت و همچنان او را بسته به زنجیر همراه خود به طبرستان می‌برد که در طی راه دیده از جهان فرو بست (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۵۳۹-۵۴۰). برخی از فرزندان علی اشکنبه^۵

۱. ابن طباطبا، همانجا.

۲. از نواحی نیشابور.

۳. فرزند علی بن محمد بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی (ع). (در مورد مهاجرت نوادگان وی از نیشابور به بیهق نک:

ابن فندق، ۱۴۲۵: ۶۰).

۴. فرزند علی بن عبدالرحمن بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی (ع).

اشکنبه^۱ از نسل امام حسن (ع) از مهاجران به جرمغان بودند (همو: ۱۱۸).

۳-۱-۲. بلخ: مهاجران به بلخ از فرزندان جعفر بن حسن بن حسن (ابن طباطبا، ۱۳۷۷: ۹۰). حمزه بن حسن سراب^۲ و برخی از فرزندان قاسم بن حسن بن زید بن حسن از جمله ابوتراب محمد بن عیسی (همو: ۹۱) بودند.^۳ ابن طباطبا از مهاجران مدینه به بلخ نیز نام می‌برد؛ از جمله این افراد، ابوالحسین علی بن حمزه^۴ است و فرزندانش به نام‌های: حسین، حمزه، حسن و ابوالعباس بودند (همان‌جا). از دیگر مهاجران به بلخ از علویان حسنی، فرزندان اسماعیل جالب الحجاره؛ یعنی مهدی و احمد رضا^۵ بودند.

برخلاف حسینیان که پرشمارترین گروه در خراسان بودند، حسینیان در ناحیه خراسان بعد از دو گروه حسینی و اطرفی سومین گروه را تشکیل می‌دادند. در عوض، در نواحی شمالی ایران، علویان حسنی پرشمارتر بودند. در این نواحی، مهاجرت علویان حسنی با گرایش زیدی و تشکیل حکومت علویان طبرستان به وسیله آنان از جمله دلایل توجه بیشتر به این منطقه بود. در گروه علویان حسنی نیز بیشترین تعداد مهاجران را ابتدا فرزندان امام حسن از نسل زید و بعد از آن، فرزندان حسن (مثنی) به خود اختصاص می‌دادند. حضور پرشمار علویان در برخی مناطق و توجه کمتر به مناطقی دیگر می‌تواند علل و دلایل مختلف داشته باشد چنانچه از جمله علل تفاوت در تعداد علویان حسنی و حسینی در مناطق مختلف ایران و از جمله خراسان و مناطق شمالی را می‌توان به علت تفاوت رویکردها نیز دانست. با این توضیح که علویان حسنی که بیشتر گرایش زیدی داشتند به علت تشکیل حکومت در طبرستان بدان سمت روی می‌بردند و حسینیان نیز که به تبعیت از ائمه شیعه، بیشتر رویه فرهنگی در پیش گرفته بودند بیشتر به خراسان، جبال و دیگر مناطق روی آوردند (نک: همین پژوهش، نمودار شماره ۲ مربوط به پراکندگی علویان در سراسر ایران).

۱. پسر محمد امین علیه (بعضی گفته‌اند: ابن علی) فرزند علی زانکی پسر اسماعیل جالب الحجاره فرزند حسن امیر بن زید بن حسن بن علی (ع).

۲. پسر ابو عبد الله محمد بن عبید الله امیر بن عبد الله بن حسن بن جعفر بن حسن بن حسن بن علی (ع)

۳. فرزند محمد بطحانی فرزند قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی (ع).

۴. فرزند محمد بن هارون بن محمد بطحانی بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن

۵. پسران زید بن محمد ملک فرزند زید بن محمد بن اسماعیل جالب الحجاره بن حسن بن زید بن حسن بن علی (ع).

۴-۱. علویان عباسی^۱

۴-۱-۱. مرو: برخی نسب‌شناسان، فرزندان عباس را جعفر، عبدالله و عثمان و آنان را بدون فرزند می‌دانند (حسینی مدنی، ۲۰۱۱: ۱۹) حال آن‌که برخی دیگر برای عباس، فرزندی از نسل عبیدالله^۲ ذکر کرده (ابن حزم، ۱۴۰۳: ۶۷؛ ابن فندق، ۱۴۱۰: ۳۵۷) و همه مهاجران به ایران را از نسل همین عبیدالله می‌دانند (نک: ابن طباطبا، ۱۳۷۷: صفحات متعدد؛ همچنین برای اطلاع از دیگر مهاجران این گروه نک: همو: ۳۲۲). متأسفانه منابع درباره جزئیات حضور مهاجران عباسی و فعالیت‌های آنان در مناطق مختلف ایران گزارشی به دست نمی‌دهند و معمولاً فقط به اسامی و نسب آنان بسنده کرده‌اند.

۲. مهاجرت علویان به خراسان و اسلام‌پذیری ایرانیان

گسترش اسلام در بین ایرانیان و در بسیاری از مناطق با قرائت شیعی را می‌توان یکی از مهم‌ترین و پایدارترین پیامد حضور مهاجران علوی در ایران و خراسان دانست. با حضور و استقرار گروه‌های مختلف علوی در شهرها، روستاها و مناطق دورافتاده این سرزمین و در نتیجه فعالیت‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آنان و تعامل با بومیان؛ به تدریج زمینه برای نفوذ اسلام و گسترش آن در بین طبقات خاصه و عامه جامعه ایرانی فراهم آمد و گسترش اسلام و تشیع رشد فزاینده‌ای یافت. از این رو، پژوهش حاضر را باید در واقع برش و بخشی از طرح بزرگ‌تر؛ یعنی پیگیری سیر تحول اسلام‌پذیری ایرانیان و به‌طور مشخص گرایش به تشیع در خراسان و ایران دوره موردنظر دانست. در بحث از پیامد حضور مهاجران و تأثیر آن بر گسترش اسلام و تشیع باید گفت؛ هرچند هیچ‌یک از منابع (تواریخ عمومی، منابع شیعی و ...) به فعالیت‌های مهاجران و یا تأثیر حضور آنان به‌طور مشخص اشاره نکرده‌اند اما انجام چنین فعالیت‌هایی و البته تأثیرگذاری از طرف کسانی را که بعضاً شخصیت‌هایی همچون امام رضا یا افراد سرشناس علوی بودند، می‌توان دور از ذهن ندانست.

۱. فرزندان عباس بن علی (ابوالفضل)؛ عثمان، جعفر و عبدالله بودند که ظاهراً هر سه در کربلا کشته شدند و مادرشان ام البنین بنت حزام بن خالد بن ربیع بن الوحید بن کعب بن عامر بن کلاب بود. حسینی مدنی فرزندان عباس را بدون دنباله می‌داند (حسینی مدنی، ۲۰۱۱: ۱۹).

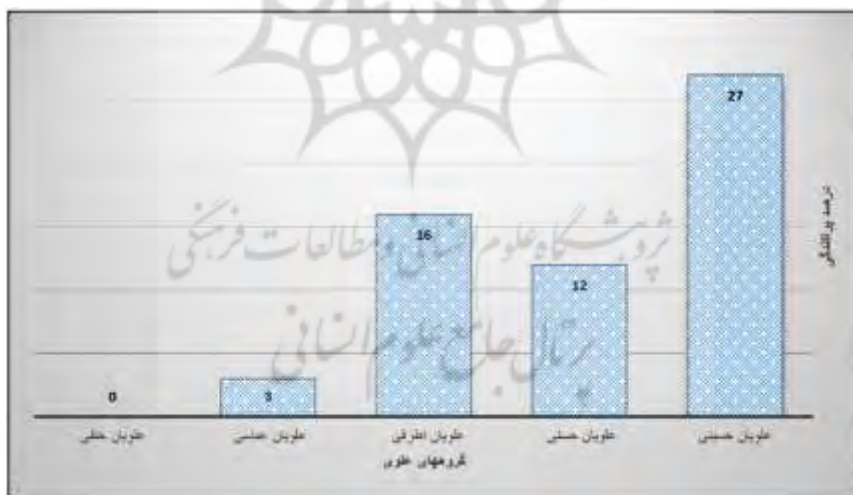
۲. به نظر می‌رسد بین اسم عبدالله و عبیدالله خلطی صورت گرفته باشد.

از این رو در پایان دوره مورد نظر این پژوهش، شاهد گسترش چشمگیر رشد اسلام‌پذیری ایرانیان در مناطق مختلف ایران و در بسیاری از مناطق، اسلام با گرایش شیعی هستیم. نگارنده این سطور بر آن است که مهاجرت‌های گسترده علویان، با وجود هجرت چهره‌های شاخص و تأثیرگذاری همچون امام معصوم در بین آنان و بعدتر تشکیل دولت علویان طبرستان و فعالیت‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌های مهاجر علوی در این دوره؛ به‌عنوان یکی از علل رشد فزاینده اسلام‌پذیری مردم این سرزمین در دوره عباسی و به‌عنوان حلقه‌ای مفقوده در سیر تحقیقات اسلام‌پذیری ایرانیان است. گروه ایرانیان در دوره اموی و حتی اوایل عباسی، بیشتر طبقات خاصه اجتماعی و فرهنگی و نخبگان و منتسبان به دستگاه خلافت و تعدادی محدود از موالی و تابعان آنان را در بر می‌گرفت، از این رو حدود ۸ درصد جامعه و بیشتر مناطق شهری را شامل می‌شد (نک: بولت، ۱۳۶۴: ۴۸). حال آن‌که در دوره عباسی با تداوم مهاجرت اعراب و علویان و در ادامه با انتساب امام رضا (ع) به مقام ولیعهدی و به دنبال آن مهاجرت سادات و علویان با گرایش‌های مختلف و تشکیل دولت علویان در طبرستان، ورق برگشت و به نفع جریان اسلام‌پذیری ایرانیان رقم خورد. با حضور علویان در ایران و مهاجرت بیشتر آنان به مناطق دورافتاده و غیرشهری، اسلام در بین طبقات عامه و مناطق روستایی و دورافتاده نیز نفوذ یافت و بیشتر سطح جامعه آن روز را در بر گرفت. از این رو، در اواسط قرن سوم هجری بیش از ۸۰ درصد ایرانیان مسلمان شده بودند (نک: دهقان‌پور، ۱۳۹۴: ۳۲۷ به بعد)

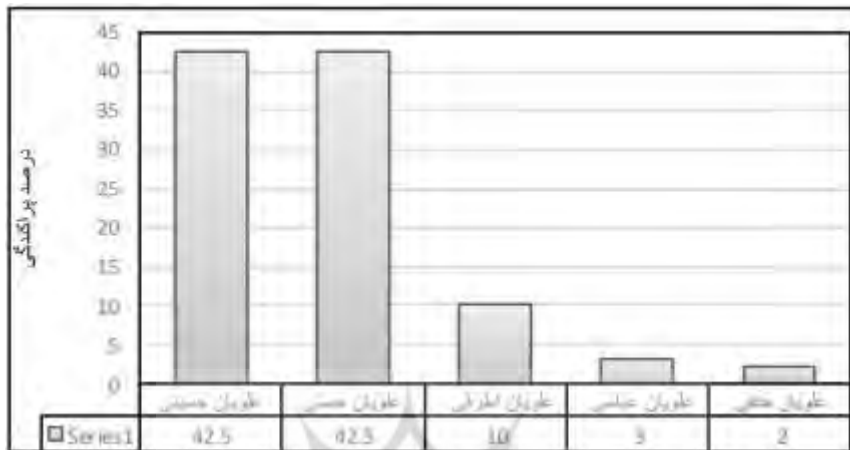
نتایج و دستاوردها

در دوره عباسی، مهاجرت اعراب مسلمان به خراسان ادامه یافت و بسیاری از مهاجران این دوره را علویان تشکیل می‌دادند. در این دوره برخلاف انتظار، سختگیری بر علویان بیشتر شد و مهاجرت‌های بسیاری از علویان به ایران را رقم زد. گزارش‌های منابع تاریخی و ... مهاجران به خراسان را چهار گروه از علویان می‌داند. در خراسان بیشترین تعداد مهاجران به خراسان را علویان حسینی، اطرفی و بعدتر به ترتیب علویان حسنی و عباسی تشکیل می‌دادند. بنا به اطلاعات منابع، مهاجران حنفی در دوره مورد نظر به خراسان وارد نشدند یا گزارشی از حضور آنان در دست نیست. درباره علویان اطرفی (عمری) نیز باید گفت تقریباً

تمام مهاجران این گروه در دوره زمانی پژوهش حاضر به ایران و مناطق مختلف آن و از جمله خراسان مهاجرت کردند. بنا به گزارش‌های موجود، در گروه علویان حسینی، بیشترین تعداد را فرزندان امام سجاد (ع) و امام موسی کاظم (ع) تشکیل می‌دهند و بعد از این دو گروه، فرزندان امام صادق (ع) قرار دارند. تداوم مهاجرت گسترده افراد و گروه‌های علوی که در بین آنان علمای بسیاری حضور داشتند و همزیستی و تعامل بین دو جامعه ایرانی و عرب، می‌توانست منشأ اثرات بسیاری باشد. از این رو در پایان دوره مورد نظر این پژوهش، شاهد گسترش چشمگیر رشد اسلام‌پذیری ایرانیان در مناطق مختلف ایران و در بسیاری از مناطق، اسلام با گرایش شیعی هستیم. نگارنده این سطور بر آن است که مهاجرت‌های گسترده علویان، با وجود هجرت چهره‌های شاخص و تأثیرگذاری همچون امام معصوم در بین آنان و بعدتر تشکیل دولت علویان طبرستان و فعالیت‌های متعدد سیاسی، اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌های مهاجر علوی در این دوره به‌عنوان یکی از علل رشد فزاینده اسلام‌پذیری مردم این سرزمین در دوره عباسی و به‌عنوان حلقه‌ای مفقوده در سیر تحقیقات اسلام‌پذیری ایرانیان مطرح است.



نمودار ۱: توزیع گروه‌های پنج‌گانه علوی در منطقه خراسان



نمودار ۲: توزیع گروه‌های پنج‌گانه علوی در ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

کتاب‌های فارسی و عربی

- ابن حزم، علی بن احمد (۱۹۸۳/۱۴۰۳)، *جمهره أنساب العرب*، تحقیق لجنه من العلماء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولى.
- ابن طباطبا علوی اصفهانی، ابراهیم بن ناصر (۱۳۷۷)، *منتقله الطالبیه*، قم، انتشارات المکتبه الحیدریه.
- ابن عنیه، (۱۹۶۱/۱۳۸۰)، *عمده الطالب*، تصحیح: محمد حسن آل طالقانی، منشورات المطبعه الحیدریه- النجف الاشرف.
- ابن فندق، علی بن زید بیهقی (۱۴۱۰)، *لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، تحقیق سید مهدی رجائی، زیر نظر سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.
- (۱۴۲۵)، *تاریخ بیهقی*، تعریب یوسف الهادی، دار اقرأ للطباعه و النشر و التوزیع، دمشق.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم (۱۹۹۲)، *المعارف*، تحقیق ثروت عکاشه، القاہره، الہیئہ المصریہ العامه للکتاب، ط الثانیہ.
- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۹۸۴/۱۴۰۴)، *عیون اخبار الرضا (ع)*، تصحیح و تعلیق و تقدیم شیخ حسین الاعلمی، بیروت، مؤسسہ الاعلمی للمطبوعات.
- ابوالفرج اصفهانی، حسین بن علی (بی تا)، *مقاتل الطالبیین*، تحقیق سید احمد صقر، بیروت، دار المعرفه.
- ابونصر بخاری، سهل بن عبدالله (۱۹۶۲/۱۳۴۰ م/۱۳۸۱ ق)، *سر السلسله العلویہ*، نجف: المطبعه الحیدریه.
- احمدعلی، صالح (۱۳۸۴ ش)، *مهاجرت قبایل عربی در صدر اسلام*، ترجمه هادی انصاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۷)، *کشف الغمه*، چ ۲، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵.
- ازدی، یزید بن محمد (۱۴۲۷)، *تاریخ موصل*، محقق و مصحح احمد عبدالله محمود، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- اشپولر، برتولد (۱۳۶۹ش)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری (جلد ۱) و ترجمه مریم میراحمدی (جلد ۲)، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م)، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد حمیدالله، بیروت، دار الفکر، ط.الأولی.
- بولت، ریچارد (۱۳۶۴)، *گروثس به اسلام در قرون میانه پژوهشی نوین در تاریخ اجتماعی اسلام*، ترجمه محمد حسین وقار، تهران، نشر تاریخ ایران.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ (بی تا)، *اسلام در ایران (از هجرت تا پایان قرن نهم هجری)*، ترجمه کریم کشاورز، پیام، بی جا.
- حاکم نیشابوری ابوعبدالله (۱۳۷۵ش)، *تاریخ نیشابور*، تهران، آگه.
- حسنی، ابوالعباس احمد بن ابراهیم (۲۰۰۲/۱۴۲۳)، *المصابیح*، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی، تقدیم مجد الدین بن محمد بن منصور المویدی، مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه.
- الحسنی المدنی العبدلی، یحیی بن حسن (۲۰۱۱/۱۳۹۰م)، *المعقبون من ولد الامام امیرالمومنین ابی الحسن علی بن ابی طالب*، تحقیق فارس حسون کریم، بیروت، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
- خلیفه بن خیاط بغدادی (۱۹۹۵/۱۴۱۵)، *تاریخ بغداد*، تحقیق فواز، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط.الأولی.
- دهقان پور، زهره (۱۳۹۷)، *اعراب در ایران (۱)*، میبد، انتشارات دانشگاه میبد.
- دهقان پور، زهره و علی بیات (۱۳۹۶)، «وحدت فکری فرقه‌های اسلامی بر مبنای عقلانیت در سیره رضوی»، *مجموعه مقالات همایش ملی عقلانیت رضوی*، تهران، دانشگاه تهران، معاونت فرهنگی اداره کل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه تهران، ۳۱۰-۳۳۰.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود (۱۳۶۸ش)، *اخبار الطوال*، تحقیق عبد المنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال، قم، منشورات الرضی.
- روضاتی، سید محمدعلی (۱۳۷۶ق/۱۳۳۵ش)، *جامع الانساب در انساب و احوال اعقاب ائمه اطهار علیهم السلام*، اصفهان، چاپخانه جاوید.
- شیخ مفید (۱۹۹۳/۱۴۱۴)، *الارشاد*، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لتحقیق التراث، ج ۲، بیروت، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع.

- ضامن بن شدقم (۱۳۷۸/۱۴۲۵)، *تحفه الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار*، تحقیق و تعلیق: کامل سلمان الجبوری، تهران: آینه میراث با همکاری کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶/۱۹۶۶م)، *احتجاج*، تعلیق و ملاحظات: السید محمدباقر الخراسان، دارالنعمان للطباعة و النشر- النجف الاشرف.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۸۷/۱۹۶۷)، *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ط الثانية.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴)، *اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)*، تصحیح و تعلیق: محمد باقر حسینی میرداماد استرآبادی، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- عیبدلی، نسابه (۱۴۱۳)، *تهذیب الانساب و نهاییه الاعقاب*، تحقیق شیخ محمد کاظم محمودی، اشراف: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه مرعشی نجفی.
- عطاردی، عزیزالله (۱۴۰۶)، *مسند امام رضا*، تجمیع و ترتیب شیخ عزیزالله عطاردی خوشانی، المؤتمر العالمی الامام الرضا (ع).
- علوی عمری، نسابه (۱۴۰۹)، علی بن محمد بن علی بن محمد، *المجدی فی انساب لطالبین*، تحقیق احمد مهدوی دامغانی، قم، نشر مکتبه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.
- عمیدی نجفی، محمد بن احمد (۲۰۰۱م./۱۳۸۰)، *بحر الانساب المسمی بالمشجر الکشف لاصول الساده الاشراف*، تحقیق عارف احمد عبدالغنی عبدالله بن حسین الساده، دمشق، دار کنان.
- لسترنج، گی (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های شرقی خلافت*، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مُحَلّی، حمید بن احمد (۱۴۲۳/۲۰۰۲)، *الحدائق الوردیه*، تحقیق مرتضی بن زید محطوری حسنی، صنعاء، مطبوعات مکتبه مرکز بدر علمی و الثقافی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین بن علی (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجواهر*، تحقیق اسعد داغر، قم، دار الهجره، چ دوم.
- مسکویه رازی، ابوعلی (۱۳۷۹ش)، *تجارب الأمم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران، سروش.
- مقدسی، محمد بن احمد (بی تا)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، بیروت، دارصادر.

- ناشئی اکبر، عبدالله بن محمد (۱۳۸۹)، *فرقه‌های اسلامی و مسئله امامت*، ترجمه علی‌رضا ایمانی، به ضمیمه متن عربی مسائل الامامه، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.
- نویسنده ناشناس (۱۴۲۳ق)، *حدود العالم*، قاهره، دار الثقافیه للنشر.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین (۱۹۹۵م)، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر، ط.الثانیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی‌واضح (بی‌تا)، *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دار صادر.

مقاله‌ها

- حشمتی، فریده (۱۳۷۵ش)، «حسن مثنی»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران، بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، زیر نظر غلامعلی حداد عادل.
- دشتی، محمد (بهار ۱۳۸۴)، «تاریخ تشیع در نیشابور از آغاز تا پایان قرن چهارم هجری»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، شماره ۵، صص ۱۰۱ - ۱۳۸.

پایان‌نامه‌ها

- پیرعلیلو، حیدر علی (۱۳۷۸)، *معرفی صحابه ایرانی تبار ائمه (ع) و سهم ایشان در گسترش تشیع در ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات.
- دهقان‌پور، زهره (۱۳۹۴)، *مهاجرت علویان به ایران و گسترش تشیع از آغاز قرن سوم هجری تا برآمدن آل‌بویه*، دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات.